

## «ایران» از ضرورت‌ها و الزامات

برای مقابله مؤثر با آتش سوزی‌های جنگلی گزارش می‌دهد

# جای خالی فرماندهی واحد در «زمان طلایی»

## گزارش

**نادر نینوایی - گروه زیست بوم /** آتش سوزی اخیر در جنگل‌های هیرکانی بار دیگر نشان داد که مدیریت اطفای حریق در کشور با کمبودها و چالش‌های جدی روبه‌رو است؛ از نبود هواپیماها و بالگردهای تخصصی و ضعف فرماندهی واحد تا هماهنگی ناکافی میان دستگاه‌ها و مشارکت سازمان‌یافته نیروهای مردمی. «امید سجادیان» کارشناس محیط زیست و «ابراهیم پیرزادیان» جانشین فرمانده یگان حفاظت سازمان منابع

ز زیست، در خصوص چالش‌ها و کمبودهایی که در زمینه اطفای حریق در جنگل‌های کشور وجود دارد و نیز اخیر در جنگل‌های هیرکانی گرفت به روزنامه «ایران» گفت: «یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که حادثه اخیر نشان داد، کمبود هواپیماها و بالگردهایی است که توانایی حمل و انتقال آب را داشته باشند. همچنین ضعف‌ها در هماهنگی مؤثر و سریع میان سازمان‌ها. این اتفاق بار دیگر ثابت کرد که ما هنوز برنامه مدیریت کارآمد و منسجمی برای اطفای حریق نداریم. بارها گفته‌ایم که داشتن برنامه جامع ضروری است، اما در عمل هنوز هیچ‌جا این برنامه به‌طور مشخص تعریف نشده و مبتنی بر نیازهای واقعی هم نیست، با وجود اطلاع‌رسانی گسترده و تلاش‌هایی که انجام شد، باز هم شاهد بودیم که هم‌چیز به حالت اضطراری موقوف شده است. یعنی ما تنها زمانی به فکر می‌افتیم که آتش سوزی آغاز شده و بحران شکل گرفته است. وی ادامه داد: «در بسیاری از لحظات، واقعاً مانند یک لشکر خسته و بدون ابزار، تنها نظاره‌گر آتش بودیم تا شاید بالگرد برسد؛ آن هم در شرایطی که معلوم نبود آیا موفق به پرواز شود، آیا مجوز پرواز از کشور همسایه صادر شود یا خیر، از طرف دیگر، این پرسش‌ها همچنان بی‌پاسخ مانده است که نیروهای انسانی ما چه تعداد هستند؟ در کجا مستقرند؟ چه میزان آموزش دیده‌اند؟ ابزار و تجهیزات آنها چیست و چگونه باید عمل کنند؟ حتی اطلاعات اولیه نیز بعضاً شفاف منتشر نمی‌شود. همه این مسائل نشان می‌دهد که ما برنامه جامع و واحدی برای مدیریت حریق نداریم. برخی گروه‌ها فعال‌اند، اما مشکل اصلی همچنان پابرجاست.»

### نیازهای آتی برای اطفای حریق

سجادیان در تشریح الزامات و نیازها برای مقابله با آتش سوزی‌های احتمالی بعدی در جنگل‌ها گفت: «در مورد نیازهای آینده، قطعاً به هواپیماها و بالگردهای تخصصی نیاز داریم. در حریق اخیر دیدیم که امکانات اطفای

هوایی کافی نبود. از نظر تجهیزات، کشورهای مختلف ساختارهای متفاوتی دارند، اما چند مؤلفه مشترک وجود دارد که شامل اطلاع‌رسانی سریع، ورود در «زمان طلایی» اطفای حریق، مشارکت هدمفند مردم و تعریف دقیق نقش سازمان‌هاست. متأسفانه در ایران، بخش مشارکت مردمی بسیار ضعیف است. این در حالی است که مردم می‌توانند نقش مهمی در پیشگیری و کنترل اولیه داشته باشند؛ به شرطی که آموزش دیده و در قالب پایگاه‌های مشخص سازماندهی شوند و بیمه، شیوه همکاری و وظایف‌شان از قبل تعیین شده باشد. وی افزود: «یکی دیگر از چالش‌ها، نبود فرماندهی واحد در زمان بحران است. اکنون در آتش سوزی‌های جنگلی، فرمانده عملیات مشخص نیست. سازمان جنگل‌ها توانایی مدیریت دارد، اما بوروکراسی سنگین و نبود ساختار فرماندهی منسجم باعث اختلال می‌شود. همچنین بالگردها و هواپیماهای تخصصی اطفای، به دلیل قدرت مانور بالا و مقاومت در برابر بادهای شدید و جریان هوای گرم، برای این کار ضروری‌اند و باید در اختیار نیروهای متخصص قرار بگیرند.» این کنشگر محیط زیست ادامه داد: «در کنار تجهیزات زمینی و نیروهای انسانی، سامانه‌های ماهواره‌ای نقش بسیار مهمی در تشخیص محل حرکت آتش، نقطه‌های بحرانی، مسیر پیشروی و مناطق نیازمند پیشگیری دارند. همه این موارد باید در یک ساختار یکپارچه و کامل تعریف شود. هر بخشی که کمی ضعیف باشد، کل سیستم آسیب می‌بیند. مردم همیشه پای کار بوده‌اند، اما اغلب آموزش ندیده‌اند و حضورشان هدمفند نیست. باید روشن شود که نقش مردم در کدام مرحله است، پیشگیری، کنترل اولیه یا عملیات اصلی. متأسفانه ساختار مشخصی وجود ندارد و هر بار همه‌چیز به صورت اضطراری و واکنشی پیش می‌رود. در بسیاری از نقاط، پیش می‌شود سامانه پیشگیری وجود دارد، اما در زمان آتش سوزی به صورت عملیاتی چیزی دیده نمی‌شود. به نظرم بهتر است صادقانه بپذیریم که این ساختار کامل نیست تا بتوان آن را اصلاح کرد.»

### لزوم شناسایی و آگاهی بخشی در خصوصی رفتار مخاطره‌آمیز

یکی از مواردی که در خصوص آتش سوزی اخیر در جنگل‌های هیرکانی مورد تأکید قرار گرفت، لزوم آگاهی بخشی به مردم در خصوص رفتارهای مخاطره‌آمیز و روشن کردن آتش در جنگل‌ها بود. سجادیان در این خصوص توضیح داد: «برای ارائه راهکار، باید بدانیم چه نوع رفتارهایی منجر به آتش سوزی می‌شود و در کدام مناطق بیشترین خطر وجود دارد. وقتی طبق آمار، تنها در ۲۸ ماه گذشته بیش از ۲۳۰۰ آتش سوزی در سطوح مختلف رخ داده، باید برنامه‌ریزی منطقه‌ای دقیق انجام شود. باید مشخص شود در کجا و چه زمانی احتمال آتش سوزی بیشتر است و چه اقداماتی باید پیش از وقوع انجام گیرد. محدودیت ورود، آموزش گردشگران، آماده‌سازی زیرساخت‌ها و نظارت مستمر از جمله اقداماتی است که پس از بررسی‌های دقیق می‌توان در نظر گرفت.» وی افزود: «بخشی از آتش سوزی‌ها ناشی از بی احتیاطی بوده و بخشی نیز بر اثر تعارضات یا سوءاستفاده‌ها اتفاق می‌افتد. این موارد باید به‌طور هم‌زمان و هم از طریق ساختار قانونی و هم با مشارکت جامعه محلی حل شوند. تجربه نشان داده هرچا مردم مشارکت داشته‌اند، نتایج موفق بوده است. در پایان باید بگویم کتمان مشکلات و نادیده گرفتن ضعف‌ها کمکی نمی‌کند. در تجربه سال ۲۰۱۷ نیز دیدیم که چگونه به دلیل نبود ساختار مناسب، آتش گسترده شد. امیدوارم این بار تصمیم‌های اساسی‌تری گرفته شود.»

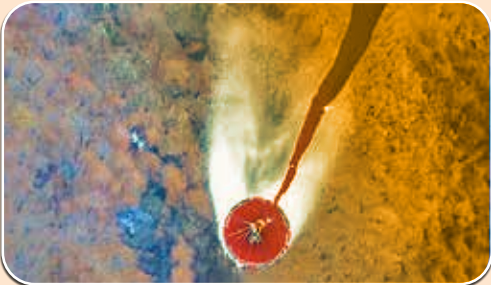
### ضرورت آمادگی برای بحران‌های آتی

ابراهیم پیرزادیان، جانشین فرمانده یگان حفاظت سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری، در پاسخ به این پرسش که چه درس‌هایی می‌توان از ماجرای آتش سوزی جنگل‌های هیرکانی برای اطفای حریق در جنگل‌های کشور در آینده گرفت، به «ایران» گفت: «حادثه اخیر نشان داد که ماهیت آتش سوزی در جنگل‌های هیرکانی به دلیل اقلیم مرطوب، بادهای گرم فون، شیب تند و تراکم لاش برگ بسیار پیچیده است.

امید سجادیان، کنشگر محیط زیست: مردم همیشه پای کار بوده‌اند، اما اغلب آموزش ندیده‌اند و حضورشان هدمفند نیست. باید روشن شود مردم در کدام مرحله است، پیشگیری، کنترل اولیه یا عملیات اصلی. متأسفانه ساختار مشخصی وجود ندارد و هر بار همه‌چیز به صورت اضطراری و واکنشی پیش می‌رود



برش



### نیاز به بازنگری جدی در استراتژی‌های بحران

چالش‌های فعلی یک پیام روشن دارند و آن اینکه پیشگیری و آمادگی، تنها راه واقعی کاهش اثرات بحران‌هاست. سرمایه‌گذاری در تجهیزات تخصصی، سیستم‌های هشداردهی و پایش، برنامه‌ریزی دقیق و هماهنگی میان دستگاه‌ها باید با همان جدیت و اولویتی که بحران‌های رخ داده نشان داده‌اند، دنبال شود. بدون این اقدامات، احتمال تکرار و تشدید حوادث مشابه، هر سال بیشتر خواهد شد و بخشی از میراث طبیعی و امنیت زیستی کشور به خطر خواهد افتاد. در نهایت، این موقعیت می‌تواند فرصتی برای بازنگری جدی در استراتژی‌های مدیریت بحران باشد. نگاه به آینده نیازمند رویکردی عمده و هم جامعه را در مسیر حفاظت از منابع طبیعی فعال و مسئول هوشمند، یکپارچه و پیشگیرانه است که هم توان عملیاتی را تقویت کند و هم جامعه را در مسیر حفاظت از منابع طبیعی فعال و مسئول سازد. با ترکیب آموزش، تجهیزات مدرن و هماهنگی ساختاری می‌توان امید داشت که بحران‌ها تنها کنترل شوند، بلکه از شدت و خسارت آنها کاسته شود و جنگل‌ها به عنوان سرمایه‌ای ملی برای نسل‌های آینده حفظ شوند.

مهم‌ترین درس‌ها شامل ضرورت ارتقای سامانه‌های پایش لحظه‌ای، افزایش سرعت بسیج نیرو در «زمان طلایی»، استانداردسازی فرماندهی واحد (ICS)، استفاده بیشتر از پهپادهای حرارتی و تقویت آموزش نیروهای محلی برای مقابله با آتش‌های دامنه‌ای است. وی همچنین در تشریح ظرفیت‌های فعلی یگان و نیازهای ارتقایی خاطرنشان کرد: «یگان حفاظت هم اکنون مجهز به دمنده، تجهیزات گروهی، آتش کوب انفرادی، کوله‌پشتی اطفای، GPS های عملیاتی، خودروهای نیمه‌سنگین و سامانه دیده‌بانی است.

با وجود این ظرفیت‌ها، نیازهای حیاتی همچون بالگرد تخصصی آبریز، خودروهای واکنش سریع کوهستان، تجهیزات انفرادی سبک‌تر، نقشه‌های حرارتی به‌روز و سامانه هوشمند مدیریت عملیات احساس می‌شود.

ارتقای این تجهیزات مستقیماً کارایی عملیات در مناطق صعب‌العبور را افزایش می‌دهد.»

جانشین فرمانده یگان حفاظت سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور در تشریح ارزیابی خود از هماهنگی میان دستگاه‌ها و راهکارهای ارتقای این هماهنگی‌ها در زمان بروز حوادث در جنگل‌ها ابزار داشت: «هماهنگی میان منابع طبیعی، هلال احمر، محیط زیست، فرمانداری‌ها و نیروهای مردمی در اغلب عملیات‌ها قابل قبول است، اما در حریق‌های گسترده نیازمند یکپارچگی ساختاری بیشتر هستیم. استقرار سامانه فرماندهی واحد، ایجاد اتاق عملیات مشترک، توسعه زمایش‌های بین‌دستگاهی و تدوین پروتکل‌های ثابت برای تبادل تجهیزات و اطلاعات، می‌تواند هماهنگی‌ها را مؤثرتر و عملیات را سریع‌تر و ایمن‌تر کند.»

دوره‌ای و فرماندهی واحد باعث می‌شود زمان طلایی برای کنترل حریق از دست برود و واکنش‌ها به شکل اضطراری و پراکنده انجام شود. این وضعیت در کنار پیچیدگی ذاتی اکوسیستم‌ها و شرایط اقلیمی خاص، خطر بروز فجایع بزرگ‌تر را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، نقش آگاهی عمومی و مشارکت مردم نیز همچنان به‌طور کامل نهاده نشده است؛ بدون آموزش «همیاران طبیعی»، استفاده از سامانه محلی و مردمی در مواقع بحران می‌تواند ناکافی یا حتی مخاطره‌آمیز باشد.



عکس‌ها / محسنی مهدی / ایرنا

تحلیل رفتار آتش و مدیریت ایمن صحنه است.»

پیرزادیان همچنین بر اهمیت اجرای برنامه‌های پیشگیری، پایش و آماده‌سازی نیروها تأکید کرد و گفت: «در حوزه پیشگیری، اولویت‌ها شامل پاک‌سازی مسیرهای خطر، ایجاد آتش‌بر، پایش ماهواره‌ای، استقرار گروه‌های واکنش سریع، استفاده از پهپادهای تصویربرداری حرارتی و اجرای مانورهای دوره‌ای است.

یگان همچنین مدل جدیدی از سازمان‌دهی نیروها در ارتفاعات را دنبال می‌کند که بر افزایش گشت‌های پیشگیرانه، استقرار نقطه‌ای نیروها در کانون‌های خطر، ارتقای آمادگی جسمانی و تجهیز استاندارد مبتنی بر اقلیم کوهستانی تمرکز دارد.»

### لزوم ارتقای توان مقابله با بحران‌های طبیعی

باید پذیرفت که توان مقابله با بحران‌های طبیعی مانند آتش سوزی در کشور هنوز به سطح ایده‌آل نرسیده است. وقوع حوادث مکرر و گسترش سریع آتش در مناطق مختلف نشان می‌دهد که صرف اقدامات واکنشی و تکیه بر ظرفیت‌های موجود نمی‌تواند نیازهای اساسی را برطرف کند. هرچند، حتی با تلاش‌های گسترده نیروهای محلی و سازمان‌های مسئول، می‌تواند به دلیل ناکافی بودن تجهیزات، کنده در تصمیم‌گیری و هماهنگی ضعیف میان نهادها، خسارات جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد. مسئله اصلی، فراتر از کمبود منابع فنی، به ساختار مدیریت و آمادگی پیشگیرانه بازمی‌گردد.

فقدان برنامه‌های جامع، زمایش‌های دوره‌ای و فرماندهی واحد باعث می‌شود زمان طلایی برای کنترل حریق از دست برود و واکنش‌ها به شکل اضطراری و پراکنده انجام شود. این وضعیت در کنار پیچیدگی ذاتی اکوسیستم‌ها و شرایط اقلیمی خاص، خطر بروز فجایع بزرگ‌تر را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، نقش آگاهی عمومی و مشارکت مردم نیز همچنان به‌طور کامل نهاده نشده است؛ بدون آموزش «همیاران طبیعی»، استفاده از سامانه محلی و مردمی در مواقع بحران می‌تواند ناکافی یا حتی مخاطره‌آمیز باشد.



عکس‌ها / ایستگاه آرام لاهیجید



کشورهای منطقه به عنوان یک منظومه فرهنگی به هم پیوسته دیده می‌شوند. شاید این فقط چند عکس ساده باشد، اما می‌توان آن را آغازی نمادین برای احیای ایده «خاورمیانه واحد» دانست؛ ایده‌ای که پیش از سیاست، از خانه‌ها، رایجه‌ها، دست‌سازه‌ها، بازی‌ها و زیبایی‌های مشترک مردم منطقه شروع می‌شود. ما خاورمیانه‌ای‌ها، زیبایی‌های مشترک زیادی داریم.

فرهنگ یکی از معدود چیزهایی است که هنوز توان التیام دارد. فرهنگ می‌تواند زخم جدایی را آرام‌تر و بی‌صدا درمان کند؛ نه با شعار و سیاست، بلکه با نمادهایی که مردم را به یاد ریشه‌های مشترکشان می‌اندازد. این تصاویر نه بیانیه سیاسی‌اند و نه وعده‌ای بزرگ، اما نشان می‌دهند که چهره‌های هنری و سلب‌ریتی‌ها می‌توانند دنیایی را به تصویر بکشند که در آن ایران، جهان عرب و دیگر

حالا هم می‌توان گفت او دارد به «یونایتد میدلیست» فکر می‌کند؛ که پاره‌های تنش می‌شوند ایران، فلسطین، سوریه، ترکیه، عراق، افغانستان و .... آیا چنین قاب‌های کوچکی می‌توانند جرقه‌ای برای تصور یک «خاورمیانه واحد» باشند؟ نمی‌دانم. اما می‌دانم در منطقه‌ای که تفاوت‌ها بعضی وقت‌ها آن قدر بزرگ‌نمایی شده‌اند که به جنگ داخلی و شکاف‌های عمیق رسیده‌اند -مثل افغانستان-

اسرائیل، از آگهی تبلیغاتی آدیداس حذف شد. حدید در رشته گفت‌وگوهایی رسانه‌ای گفته است، از زمانی که به موضع‌گیری در حمایت از فلسطینیان برخاسته، دوستان زیاد و موقعیت‌های شغلی فراوانی را از دست داده است؛ «دوستانی داشتم که مرا کاملاً رها کردند، حتی دوستانی که هفت سال با آنها شام آخر هفته را می‌خوردم، حالا نمی‌گذارند وارد خانه‌شان شوم.»

## «یونایتد میدلیست» یا «خاورمیانه متحد»

## یادداشت

### زهراکشوری

دبیر گروه زیست بوم

«یونایتد میدلیست» یا «خاورمیانه متحد»؛ من خیلی به این ترکیب و دو کلمه فکر می‌کنم؛ از جنگ ۱۲ روزه به این سو، بیشتر فکر می‌کنم. چرا خاورمیانه‌ای‌ها متحد نمی‌شوند؟ چرا یک یونایتد میدلیست به خودشان هدیه نمی‌دهند؟ مخاطب این سؤال، دولت‌ها نیستند. تکلیف آنها را که «سهراب سپهری» خیلی وقت پیش مشخص کرد و گفت: «جای مردان سیاست بنشیند درخت تا هوا تازه شود» فصل الخطاب بود. مخاطب این سؤال همیشه مردم بوده‌اند: مردم ایران، ترکیه، افغانستان، عراق، عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس.

این سؤال را یک‌بار در گفت‌وگو با علی مشهدی، عضو هیأت علمی دانشگاه قم و دکترای حقوق بین‌الملل محیط زیست هم پرسیدم؛ چرا در خاورمیانه انجمن‌های محیط زیستی قوی مثل اروپا وجود ندارد که بتوانند درباره خسارت‌هایی که جنگ‌های اسرائیل بر محیط زیست منطقه وارد کرده واکنش نشان دهند؟ او پای معادلات